



## The Legacy of Sharifābād Mobeds From the Beginning of the Safavid Dynasty to the end of the Qajar Rule

Mehrdad Ghadrdan

PhD student in Ancient Iranian Culture and Languages, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Zohreh Zarshenas<sup>1</sup>

Professor, Department of Ancient Iranian Culture and Languages, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Received: February, 13, 2021; Accepted: June, 8, 2021

(pp. 117-135)

### Abstract

Around the eighth century AH, three villages in the Ardakān region of Yazd: Sharifābād, Turkābād, and Ahmadābād, which were close together, greatly influenced the religious life of Zoroastrians. This influence was the result of the migration of Mubedān-e-Mubed and their servants from Fars to this region. As a result of research, it was determined with the migration of two families of Mubedān to this area, they took on important religious duties. These were their three main tasks and roles: first guarding the holy fire, they had brought this fire with them from the Azar-Faranbay temple in Fars. Second, duplication of old manuscripts of Avestan texts. Transcribed versions are now considered old versions themselves. Third, answering the religious questions of the Zoroastrians of India. In addition to reviewing numerous texts and articles, the administrative documents of the Nāseri Association of Sharifābād branch in different decades were carefully examined in this study. By examining the old documents of endowments and documents of Mubedān and the former chiefs of the village, important information was obtained. In this regard, the ambiguities were resolved by asking the elderly people of Sharifābād. Also, by identifying the old houses of the Mubedān, a possible place of transcription of the Avesta was found. This is one of the oldest versions of the Avesta in the world (version 976).

**Keywords:** Sharifābād. Mubedān, manuscripts of Avesta, Azar-Xaruh, Parsees in India.

---

1. Email of Author: [zohreh\\_zarshenas35@yahoo.com](mailto:zohreh_zarshenas35@yahoo.com)

## میراث موبدان شریف‌آباد، از آغاز صفویه تا پایان قاجاریه

مهرداد قدردان

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

زهرة زرشناس<sup>۱</sup>

استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

(از ص ۱۱۷ تا ص ۱۳۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

علمی-پژوهشی

### چکیده

شریف‌آباد اردکان یزد، حدود قرن هشتم هجری، با دو روستای مجاور خود، احمدآباد و ترک‌آباد، مثلی تاثیرگذار بر حیات دینی زرتشتیان را تشکیل دادند. این تاثیرگذاری نتیجه مهاجرت موبد موبدان و گروه موبدان همراه طی همین قرن از فارس به این خطه بوده است. با تحقیق پیش رو این نتیجه حاصل آمد که با سکونت دستکم دو خاندان از موبدان در شریف‌آباد، آنها سه وظیفه مهم را بر عهده گرفتند، نخست نگاهبانی از آتش مقدس که همراه موبد موبدان از فارس و آتشکده آذر فرنبغ به شریف‌آباد آورده شده بود، دوم نسخه‌برداری از نسخ خطی متون اوستایی که خود اکنون نسخ کهن و قدیمی به شمار می‌روند و سوم پاسخگویی به پرسش‌های فقهی همکیشان پارسی خود در هندوستان. برای رسیدن به این کارکرد مهم موبدان شریف‌آباد، علاوه بر بررسی متون و مقالات متعدد مرتبط، دفتر قدیمی صورتجلسات انجمن ناصری شعبه شریف‌آباد و دفتر صورتجلسات دهه‌های گذشته مورد بررسی دقیق قرار گرفت. با کاوش و جستجو در دفتر کهن موقوفات و اسناد و مدارک خاندان موبدی و کدخدایان پیشین روستا اطلاعات مهمی به دست آمد و در این راستا با پرسش از کهنسالان شریف‌آبادی نکات غامض مرتفع گردید. به تبع این جستجوها علاوه بر یافت شدن دفتر کهن موقوفات روستا، با شناسایی خانه‌های قدیمی موبدان، مکان احتمالی کتابت یکی از کهن‌ترین نسخ اوستای جهان (نسخه ۹۷۶) معرفی گردید.

**واژه‌های کلیدی:** شریف‌آباد، موبدان، آذرخره، دست‌نویس اوستا، پارسیان هند.

## ۱. مقدمه

شرف‌آباد (شریف‌آباد) در جنوب شرقی اردکان یزد قرار دارد و پیشتر روستایی جدا از شهر بوده، اما اکنون یکی از محلات شهر اردکان است. تاریخ بنا و نام بانی آن به درستی معلوم نیست. برخی بنای آن را پیش از بنای اردکان و نام بانی آن را شهریار نامی دانسته و بر این باورند که نام قبلی آن شهریارآباد بوده که بعداً به شرف‌آباد و شریف‌آباد تغییر نام داده است و علت آن را وجود زیارتگاه‌های کهن زرتشتیان به نام‌های پیرهریشت، پیرسبز و پارس بانو می‌دانند. برخی دیگر بنای آن را پس از اردکان و بانی آن را شرف نامی دانسته‌اند. ولی آنچه مسلم است زرتشتیان از قرن هشتم هجری به بعد مطمئناً در شریف‌آباد سکونت داشته‌اند و حتی دستوران<sup>(۱)</sup> مقیم آن و روستای ترک‌آباد در نزدیکی آنجا بزرگترین دستوران زرتشتی محسوب می‌شده‌اند و نامه‌هایی که از قرن نهم از طرف دستوران و بزرگان این دو محل به هند نزد پارسیان ارسال شده مؤید این نکته است (سپهری، ۱۳۷۴: ۱۰۶/۲). بویس<sup>(۲)</sup> می‌نویسد، شریف‌آباد از دیرباز و از سده هشتم هجری در کنار دو روستای دیگر اردکان، یعنی ترک‌آباد و احمدآباد و با مهاجرت دستوران از فارس و سکونت او در ترک‌آباد مورد یادکرد است و این سه، مثلثی تاریخی را در حیات پس از اسلام دین زرتشتی تشکیل می‌دهند، با سکونت دستوران، ترک‌آباد در بین زرتشتیان به روستای موبدنشین نامبردارگشت که تا امروز هم در بین زرتشتیان منطقه این وصف شنیده می‌شود، البته در این استقرار مهم، شریف‌آباد نیز با سکونت خاندان موبدانی تاثیرگذار نقشی مهم را در راستای راهبری جامعه زرتشتیان و راهنمایی پارسیان هند در امور دینی ایفا کرد، بویس بر این باور است که همراه دستوران دو آتش آورده شده و در شریف‌آباد در خانه‌های آجری کوچکی شبیه خانه‌های معمولی نگهداری شده است، یکی از این دو آتش را امروزه به عنوان آذرخرّوه، یعنی صورت فارسی نو آذرفرنبغ می‌شناسیم و این آتش در حقیقت، یکی از سه آتش بزرگ ایران باستان است و دیگری که صرفاً آتش بهرام گفته می‌شود از آن یکی هم بیش‌تر محبوب و مورد احترام بوده و احتمالاً آتش آذرانا‌هید استخر فارس است، این دو آتش (که اینک توأم‌اند) قدیمی‌ترین آتش‌های مقدس به جامانده زرتشتیان‌اند و احتمالاً بیش از دو هزار سال پیوسته افروخته بوده‌اند، پس از این استقرار، روستاهای ترک‌آباد و شریف‌آباد با هم مرکزیت سازمان روحانیت زرتشتی ایران را تشکیل دادند (بویس، ۱۳۸۱: ۱۹۵). در این جستار کوشش خواهد شد نقش، جایگاه و

کارکرد موبدان شریف‌آباد برای اولین بار مورد بررسی دقیق قرار گیرد و مشخص گردد که مکان نگهداری آتش آذرقرنَبغ در این منطقه کجا بوده و بر اساس مدارک و مستندات موجود، ضمن برشماری و ترسیم شجره‌نامه خاندان موبدان شاخص شریف‌آباد، آثار مکتوب آنان در بازه زمانی موضوع مقاله احصاء گردد. البته پیش از این بویس، چنانکه در بالا اشاره شد، دارای تحقیقاتی در مورد شریف‌آباد است، او چند ماهی را در این روستا برای دیدن آداب و رسوم آن به سر برد و حاصل دریافتهایش را در کتابی به رشته تحریر درآورد که در سال ۱۹۷۷ در انتشارات آکسفورد با نام (A Persian Stronghold of Zoroastrianism: Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975) منتشر گردید و ترجمه آن در سال ۱۳۹۷ با عنوان کانون دین زرتشتی در ایران، توسط ابراهیمیان در انتشارات توس به چاپ رسید. او در این کتاب اشاراتی به انتقال و جایگاه آتش مقدس در شریف‌آباد دارد ولی اصلاً به خاندان موبدان و میراث آنان در این روستا نمی‌پردازد. دالوند در کتاب تاریخ و سنت زرتشتی به خاندان موبدان و میراث مکتوب آنان اشاره می‌کند. اما مزداپور با تحقیقات دامنه‌دار خود چندین سال روی نسخ دستنویس موبدان تمرکز داشت و با یافتن نسخی چند به معرفی و چاپ برخی از آنها همت گماشت. این نسخ ۱۱ جلدند که از این میان، نسخه ۹۷۶ یزدگردی دانشگاه تهران، نسخه ملابهرز اسکندر (۱۲۲۶ یزدگردی) و نسخه سروشیان (۱۲۵۳ یزدگردی) به چاپ رسیدند. به جهت اهمیت و کهن بودن نسخه ۹۷۶ این نسخه در سال ۱۳۹۲ خورشیدی با معرفی و کوشش ایشان در حافظه جهانی نیز به ثبت رسید. با پشتیبانی مزداپور، کانتر<sup>(۳)</sup> استاد شناسی دانشگاه برلین و رئیس دپارتمان زبانشناسی دانشگاه سالامانکا اسپانیا، پایگاه دیجیتالی اوستا را راه‌اندازی کرد و با تلاش انجام یافته از سال ۲۰۱۱ میلادی تاکنون نسخه‌های متعددی از دستنویس‌های اوستا در ایران شناسایی و به مرور با انجام نسخه‌برداری دیجیتال در این پایگاه قرار گرفته است و جدیدترینشان مجموعه پولادی است که با همت سالومه غلامی همکار کانتر این مجموعه بررسی و ۱۷ جلد اوستای دستنویس، نسخه‌شناسی و گزارش شدند. با بررسی‌های انجام شده، دستنویسی از اوستا در شریف‌آباد موجود نیست. در کتابخانه‌های زرتشتیان یزد نیز آخرین نسخه دستنویس اوستا، خرده‌اوستای دستور رستم گشتاسب (۱۰۷۲ یزدگردی) متعلق به کتابخانه هورشت یزد بوده که در سال ۱۳۸۳ خورشیدی به کتابخانه یگانگی تهران منتقل شده است. به احتمال قوی نسخه‌های دستنویس هنوز باید در خانه‌های

قدیمی یزد موجود باشد که عمدتاً صاحبان آنها در خارج از کشور به سر می‌برند. یک مجموعه‌دار یزدی به گواه دیدارکنندگان اهل فن، چندین نسخ دستنویس اوستای نایاب و کمیاب در اختیار دارد و هر چند سال یکبار مجموعه ایشان غنی‌تر از گذشته می‌گردد. نگارنده نیز برای شناسایی کامل کارکرد و میراث موبدان شریف‌آبادی با بررسی کتب و مقالات متعدد که در زیر خواهد آمد و همچنین مراجعه به شریف‌آباد و بررسی دقیق بازمانده صورتجلسات انجمن ناصری شعبه شریف‌آباد تاسیس شده در سال ۱۲۷۶ یزدگردی (۱۲۸۶ خورشیدی) و صورتجلسات انجمن زرتشتیان شریف‌آباد از دهه ۲۰ تا ۸۰ خورشیدی و پرسش و مصاحبه حضوری و مجازی با کهنسالان شریف‌آبادی به یافته‌های جدیدی دست یافت. این یافته‌ها عبارتند از: جایگاه دقیق آتش آذر فرنبخ، شجره‌نامه دو خاندان مهم موبدی، دو باب خانه موبدی به جامانده از قدیم که یکی از آنها خانه‌ای است که به احتمال قوی در آن نسخه جهانی ۹۷۶ کتابت شده، دفتر کهن ثبت موقوفات گهنبار<sup>(۴)</sup> شریف‌آباد (احتمالاً از دوران زندیه) و دفتر قدیمی صورت ریز گهنبار. با بررسی کامل کتاب دو جلدی روایات داراب هرمزدیار، موبدان شریف‌آبادی شناسایی، با جانمایی آنان در شجره‌نامه دو خاندان موصوف، به یافتن میراث آنان در دو زمینه پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی پارسیان و کتابت نسخ اوستایی پرداخته شد و در نتیجه این مقاله حاصل آمد.

## ۲. موبدان شریف‌آباد-نگاهبانی آتش مقدس

اوشیدری در دانشنامه مزدیسنا زیر واژه شریف‌آباد می‌نویسد، شریف‌آباد یکی از بلوک حومه اردکان یزد است و زیر نامه‌هایی که بین پارسیان هند و موبدان و زرتشتیان و دستوران ایران رد و بدل شده به حدود شش هزار امضا از نقاط مختلف ایران برمی‌خوریم که از شریف‌آباد و ترک‌آباد چهار صد تن امضا کرده‌اند، در ادامه آورده است که تاریخ نامه به سال ۸۸۰ یزدگردی برابر ۹۱۶ هجری قمری است و امضاها، مربوط به بزرگان و موبدان و معتمدان زرتشتی است و نام جوانان، زنان و کودکان در آن نیست (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۴۶). برخی از موبدان و بزرگان شریف‌آباد یاد شده در این نامه عبارتند از دستور مرزبان رستم بن شاهمردان، دستور شهریار ماونداد، دستور مهرآبان نوشیروان، دستور اردشیر ماونداد، دستور ماونداد رستم، دستور جاماسب شاپور، دستور شهریار مهرآبان، دستور سیاوخش شاپور، دستور آذرباد ماونداد، دستور جاماسب موبد، بهرام فرخاب، شهریار خره فیروز، بهمن مرزبان، پشوتن شهریار، رستم شهریار و فیروزان شهریار (شهمردان، ۱۳۶۳: ۲۶۵)، در این دوران، شریف‌آباد مانند ترک‌آباد، بافتی کاملاً

زرتشتی‌نشین داشته است و قدمت آتشکده آن هم، دستکم به روزگار صفوی برمی‌گردد و وجود پیر و زیارتگاه‌های مختلف در درون و پیرامونش همگی اهمیت و جایگاه آن را در نزد زرتشتیان عصر صفوی می‌رساند، نیز بر مبنای نامه‌های موجود، می‌توان دریافت که پس از ترک‌آباد، برخی نامه‌های ارسالی به هندوستان از این مکان بوده است (کجباف و تشکری، ۱۳۸۷: ۱۶۵). چنانکه پیشتر اشاره شد، احتمالاً پس از آمدن دستور دستوران به ترک‌آباد، دو آتش بزرگ به شریف‌آباد منتقل شدند، یکی از این دو، نزد زرتشتیان شریف‌آباد به «اَدْرُ خَرَا»<sup>(۵)</sup> [شاه اَدْرُ خَرَا] مشهور بوده که صورت گویشی آذرفرنبغ یکی از سه آتش مقدس و مهم ایران باستان است که پیش از فروپاشی ساسانیان در کاریان پارس فروزان بود (بویس، ۱۳۹۷: ۲۳)، پس از فتح ایران برای جلوگیری از خاموشی آن، موبدان بهره‌هایی از آن را به مناطق دیگر از جمله آتشکده قُمپ<sup>(۶)</sup> فسا برده و با خاموشی آذرفرنبغ در کاریان، آتش امانت در قُمپ فسا به همراه دستور دستوران و با مهاجرت موبدان به مثلث تاریخی یزد، در حاشیه کویر تخت‌نشین شد (بویس، ۱۳۷۷: ۲۴۴)، با توجه به وجود ساختمان پابرجای شاه آذرخره (شاه آذرخره) در شریف‌آباد، تصدیق مردمان آن و اینکه نگارنده خود شریف‌آبادی است و آگاهی کامل به منطقه دارد و با توجه به سکونت چندین ماهه بویس در شریف‌آباد و پژوهش‌های این استاد برجسته، باور ایشان، مبنی بر این که موبدان آتش خود را به شریف‌آباد بردند تا در امنیت به سوختن ادامه دهد، انکارناپذیر می‌نماید (بویس، ۱۳۹۷: ۲۴) کرشاسب چوکسی<sup>(۷)</sup> نیز یادآور می‌شود که اواسط سده دهم میلادی (سوم هجری قمری) وسعت استخر به کمتر از دو سوم کیلومتر مربع کاهش یافت، زرتشتیانی که در فارس مانده بودند به روستاهای کوچکی مانند شریف‌آباد و ترک‌آباد در خارج از یزد نقل مکان کردند (چوکسی، ۱۳۸۱: ۵۴)، دو دودمان دستور نوشیروان در شرف‌آباد (شریف‌آباد) و دودمان دستور مهربان [مهرآبان] در ترک‌آباد به احتمال بسیار بازمانده‌های دستوران فارس‌اند که در سده پنجم هجری، فارس را به مقصد ده‌گبران دامنه‌های شیرکوه ترک گفتند و در سده هشتم با تلاش امرای مظفری برای آبادانی بیابان‌های غرب یزد و محور اردکان به میبد، شروع به عمران و آبادانی ترک‌آباد و شرف‌آباد (شریف‌آباد) کردند (دالوند، ۱۳۹۶: ۴۶)، بویس یادآور می‌شود که شاردن فرانسوی<sup>(۸)</sup> که در قرن هفدهم از ایران دیدن می‌کند، شنیده‌های مکتوبش حکایت از آن دارد که زرتشتیان، معبد اصلی‌شان نزدیک یزد قرار دارد، موبد بزرگ آنان همیشه در آنجا زندگی می‌کند و از آن دور نمی‌شود، اسم او دستور دستوران است و موبدان زیادی همراه اویند. نخستین سند مؤید بر سکونت دستور دستوران در این ناحیه به سال ۱۴۷۸ میلادی [۸۵۶ خورشیدی] برمی‌گردد که پارسیان هند اولین گروه از فرستادگان را برای جستجوی آیین‌ها و اعمال درست دینی به سرزمین مادری گسیل داشتند، این کار سده‌ها ادامه یافت و این فرستادگان با نامه‌ها،

روایات و گاهی با کتاب به هند بازمی‌گشتند، مندرجات صفحات آخر این کتاب‌های خطی گواه بر کتابت آنها در ترک‌آباد و شریف‌آباد (شرف‌آباد) است، امضای این نامه‌ها که نزد پارسیان محفوظ مانده، ثابت می‌کند که در طول این قرون اخیر، رهبر ارشد زرتشتیان ایرانی، یعنی دستور دستوران، در ترک‌آباد سکونت داشته است، یکی از این نامه‌ها (ضمیمه) روایت کامدین شاپور به سال ۱۵۵۸ میلادی [۹۳۶ خورشیدی] دارای امضای ۲۸ تن از موبدان ترک‌آباد و شریف‌آباد (شرف‌آباد) است. در میان نویسندگان موبد این دو روستا، دو نفر مشهور بودند، یکی مهربان [مهربان] نوشیروان رستم شهریار که در پایان سده ۱۷ میلادی، دستور دستوران بود و دیگری برادرش خسرو، ساکن ترک‌آباد یزد (بویس، ۱۳۹۷: ۲۵)، با مهاجرت دستور دستوران به یزد که تاریخ دقیق آن مشخص نیست و بر اساس قرائن بایستی حدود ۱۱۶۰ خورشیدی باشد از آن پس یزد مرکز معنوی زرتشتیان شد و محله دستورنشین کنار محله قدیم عوام به وجود آمد و برای شریف‌آباد و دیگر روستاها نیز موبدانی از طرف دستور دستوران برای مدتی معین معرفی شدند تا کارهای دینی مردم را به انجام رسانند<sup>(۹)</sup> اما آن دو آتش بزرگ به دلیل ملاحظات امنیتی در آتشکده‌های کوچک شریف‌آباد باقی ماندند و در اوایل قرن بیستم به دلیل وجود مشکلات متعدد که در سر راه حفظ مناسب جداگانه آنها وجود داشت، آن دو یکی شده و در آتشکده بزرگ‌تری به سوختن ادامه دادند (همان: ۲۶-۲۷) و روستا بهره‌مند از آتش دوگانه باستانی باقی ماند ولی مکان آتش آذرفرنبغ (آذرخروه) فراموش نشد و همچنان تا روزگار کنونی به صورت نیایشگاهی به نام «شاه آذرخروه» در شریف‌آباد حفظ گردیده است و جایگاه آتش آذرفرنبغ نیز در اتاکی، هنوز پابرجاست و به جای آن آتش باستانی، امروزه چراغی روغنی، شبانه‌روز فروزان است، با رفتن دستور دستوران به یزد، رویداد یکی شدن دو آتش در حالی صورت پذیرفت که آتش آذرفرنبغ، نزد آتش معروف به شاورهرام شریف‌آباد برده شد، به نظر می‌رسد دیدگاه بویس مبنی بر احترام افزون‌تر آتش شاورهرام که گویا آتش آذرآناهید استخر است، در این رویکرد هم-نشینی به اثبات برسد.

### ۳. موبدان شریف‌آباد- پاسخگویی پرسش‌های فقهی پارسیان هند و کتابت نسخ

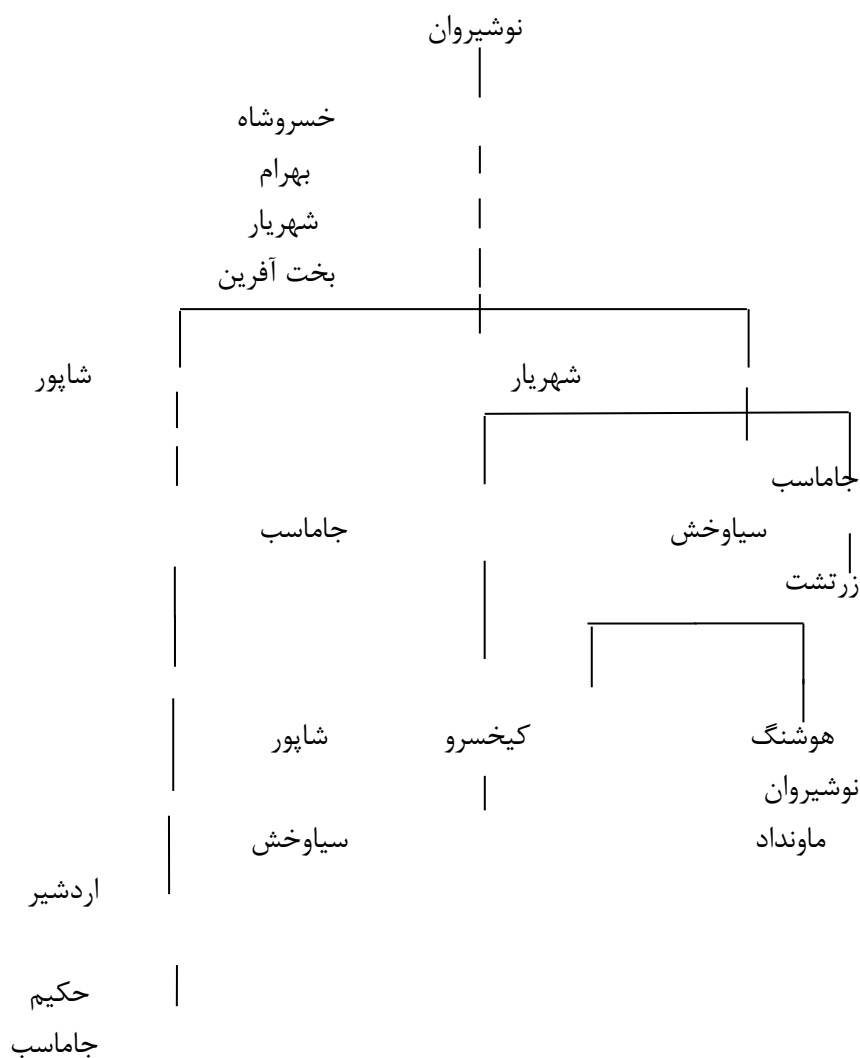
#### اوستایی

اکنون با این پیش زمینه، به این نکته مهم خواهیم رسید که در جوار آتش‌هایی به این درجه از اهمیت، باید موبدان بزرگی نیز حضور داشته باشند که به تفصیل بدان خواهیم پرداخت. از وظایف دیگر این موبدان پاسخگویی به پرسش‌های فقهی پارسیان همکیش آنان در هند و نیز کتابت نسخ اوستایی بود که در بیشتر موارد همراه پاسخهای مذکور که به روایت<sup>(۱۰)</sup> و روایات مشهورند به هند فرستاده می‌شدند، اما عصر روایات از سال

۸۴۷ یزدگردی [۸۵۷ خورشیدی]، زمان رسیدن نریمان هوشنگ بهروچی به شرف‌آباد (شریف‌آباد) یزد و بردن روایت معروفش به هند در ۸۴۸ یزدگردی آغاز می‌شود و با روایت ایتھوتر<sup>(۱)</sup> در ۱۱۴۲ یزدگردی [۱۱۵۳ خورشیدی] این عصر پایان می‌پذیرد، به دیگر سخن، از میانه سده نهم تا میانه سده دوازدهم یزدگردی این دوره روایت بری حدود چهارصد سال را دربرمی‌گیرد (دالوند، ۱۳۹۶: ۴۴) در این بازه زمانی، بر طبق اسناد و مدارک موجود، موبدان شریف‌آباد نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند، از جمله در جلد دوم کتاب روایات داراب هرمزدیار، در این خصوص آن جا که به ذکر جماعت دستوران شریف‌آباد می‌پردازد، اسامی دستور ماونداد هوشنگ، دستور خرهمند سیاوخش، دستور کیخسرو سیاوخش، دستور بهرام ماونداد، دستور جاماسب، دستور خسرو ماونداد، دستور آذرباد، دستور نوشیروان، دستور آینه‌سر خرهمند، دستور ماونداد، به چشم می‌خورد (Unvala, 1922, vol 2: 460). در همین کتاب آمده است، هنگامی که دستور فریدون مرزبان به سال ۹۹۶ یزدگردی (۱۰۰۶ خورشیدی) در شعری، دستوران و هیربدان ایران را برای پارسیان هندوستان معرفی می‌کند، از ۲۵ دستور و هیربد شریف‌آبادی نام می‌برد (Ibid: 152)، سلسله انساب موبدان در وقف‌نامه‌های موقوفات به جامانده از موبدان شریف‌آباد، قابل احصا و برشماری است، در روزگار کنونی زمین‌های زیادی وجود دارد که جدای از مردم عادی، طبقه موبدان وقف کرده‌اند و با مهاجرت موبدان از شریف‌آباد، بیشتر این موقوفات هنوز برجاست و از محل درآمدهای آن در یزد، تهران و حتی خود شریف‌آباد به نیت واقف عمل می‌شود و نکته اینجاست که این موقوفات در دفتر صورت جلسات انجمن ناصری شعبه شریف‌آباد که بعداً به انجمن زرتشتیان شریف‌آباد تغییر نام داد، قابل ردیابی و دو موقوفه بزرگ دستور بخت‌آفرین و دستور بندار (دو خاندان موبدی شریف‌آباد) در طی عمل به نیت واقف در خصوص وقف عام به تولیت انجمن مذکور در دفتر صورت‌جلسات این انجمن از سنه ۱۳۲۰ خورشیدی به این سو مورد یادکرد سالیانه است، همچنین در دفتر قدیمی موقوفات شریف‌آباد به وقفیات دستور زراتشت دستور جاماسب، دستور بندار دستور رستم دستور مهربان و دستور بهرام دستور ماونداد برمی‌خوریم که عمل به وقف آن هنوز پابرجاست. از سویی دیگر در دوره‌هایی وجاهت موبدان این خطه باعث شده که مستقیم از شریف‌آباد به پاسخگویی امور دینی پارسیان اقدام کنند و این امر، مقام، منزلت و جایگاه آنان را می‌رساند، کسانی مانند شاپور جاماسب شرف‌آبادی (شاپور جاماسب شهریار بخت‌آفرین شهریار بهرام خسرو شاه نوشیروان) از آن زمره‌اند که با نمونه اقداماتش آشنا خواهیم شد، نریمان هوشنگ، نخستین پیک زردشتی، از طرف پارسیان هند، در ۸۴۷ یزدگردی مهمان نوادگان دستور نوشیروان شرف‌آبادی (سرخاندان جمعی از موبدان آگاه و تاثیرگذار شریف‌آباد) شد، همین شاپور جاماسب شهریار به همراهی عموزاده‌اش هوشنگ سیاوخش شهریار، کاتبان نخستین روایت



ارسالی نزد پارسیان به نام روایت نریمان هوشنگ شدند که نام آن برگرفته از نام نخستین پیک پارسیان هند است، البته این دو دستور، کاتبان روایت‌های ۸۸۰ و ۸۸۵ یزدگردی نیز هستند. جاماسب شهریار بخت‌آفرین، جاماسب شاپور بخت‌آفرین، کیخسرو سیاوخش شهریار، زردشت جاماسب شاپور، سیاوخش شاپور جاماسب، ماونداد هوشنگ سیاوخش از جمله دستوران بزرگ این خانواده‌اند که تا سدهٔ دهم هجری نامشان در پای روایات مختلف به چشم می‌خورد (دالوند، ۱۳۹۶: ۴۶)، بویس از سفر نریمان هوشنگ چنین یاد می‌کند که نریمان هوشنگ از طرف پارسیان به دیدار دستوران دستور رسید و یک سالی در ایران به سر برد و به سال ۱۴۷۸ میلادی (۸۵۶ خورشیدی) در حالی بازگشت که دو دست‌نوشته پازند را از دو روحانی شریف‌آبادی با نامهٔ بلند بالایی برای پارسیان به همراه داشت (بویس، ۱۳۸۱: ۲۰۵)، همچنین در نامهٔ سال ۸۵۵ یزدگردی، ارسالی از شریف‌آباد، شاپور جاماسب از دین‌یاران دیگری چون زنده‌رزم گرشاسب و بهرام اسفندیار از خطهٔ شریف‌آباد یاد می‌کند، نامهٔ ۸۴۷ یزدگردی که نریمان هوشنگ به همراه داشت، چهار نفر دستور دیگر نیز ذیل نامه را امضا کرده بودند که بزرگان دینی زمان خود بوده‌اند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۲۶۴) از جمله عموزادهٔ شاپور جاماسب، دستور هوشنگ سیاوخش (دستور هوشنگ سیاوخش شهریار بخت‌آفرین شهریار بهرام خسروشاه نوشیروان)، موبد نامداری که آغاز و پایان‌نوشت او بر دستنویسی از یسنا و زند به یادگار مانده، این دستور بزرگ و معروف، در قرن نهم هجری ساکن شریف‌آباد بوده است، دیگر امضاکنندهٔ نامه، برادر دستور هوشنگ سیاوخش، دستور کیخسرو سیاوخش است، همچنین عموی این دو دستور که پدر شاپور جاماسب است (مزدایور، ۱۳۷۵: ۷۱) یعنی، دستور جاماسب شهریار به همراهی دستور سیاوخش بهرام هم این نامه را امضا کرده‌اند. در انجامه‌نامه‌ای به سال ۸۴۷ یزدگردی<sup>(۱۲)</sup> [۸۵۷ خورشیدی] دستور هوشنگ سیاوخش که در بالا معرفی گردید به همراهی شهریار بخت‌آفرین [شهریار] بهرام خسروشاه نوشیروان پدر بزرگش، چنین نوشته که آن نامه را از «فرخان بوم شرف‌آباد» برای هیربدان هندوستان ارسال می‌کند (Unvala, 1922, vol 2: 368)، بر پایهٔ پژوهش بویس، یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مجموعه دست‌نوشته‌های یسنا با ترجمهٔ پهلوی، نسخه‌ای است که هوشنگ سیاوخش شریف‌آبادی به سال ۱۴۹۵ میلادی (۸۷۳ خورشیدی) فراهم آورده‌است (بویس، ۱۳۸۱: ۱۹۷)، فریدون مرزبان (سپس‌تر از این دستور و خاندان آگاه و پرکارش خواهیم نوشت) هنگامی که موبدان معاصر خود در شریف‌آباد یزد را برمی‌شمارد از کیخسرو سیاوخش چنان نام می‌برد که به نسل پیش از او تعلق دارد، کیخسرو سیاوخش نیز همانند برادرش هوشنگ سیاوخش از ساکنان شریف‌آباد بوده و در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) می‌زیسته است (مزدایور، ۱۳۸۱: ۱۰).



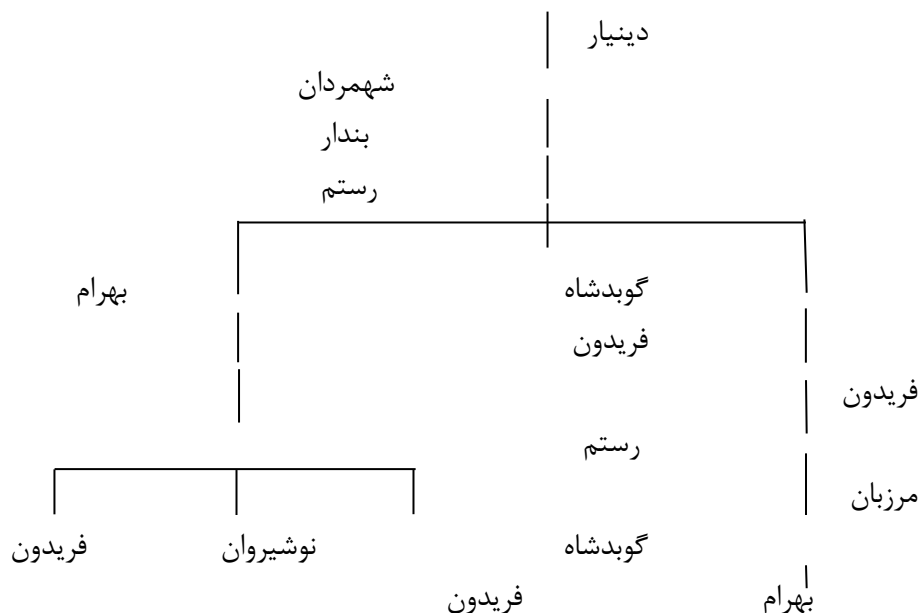
#### ولایتی

نمودار شماره ۱: دودمان دستور نوشیروان-جد بزرگ شاپور جاماسب، هوشنگ سیاوخش و جاماسب ولایتی (Unvala, 1940: 191).

در حوزه کتابت و نگارش متون دینی که کار تخصصی موبدان کارآزموده و دانشمند بوده نیز موبدان شریف‌آباد پیشتاز بوده‌اند، دستور هوشنگ سیاوخش و عموزاده‌اش شاپور جاماسب چنانکه از صفحات ۳۶۸ و ۳۷۲ و ۳۸۲ جلد دوم روایات داراب هرمزدیار برمی‌آید، نگارش متون دینی متعدد را به انجام رسانیده‌اند، در این ویژگی، مزداپور یادآور می‌شود که دستور هوشنگ سیاوخش از چندین نسخه قدیمی‌تر برای نگارش و

کتابت یسنا و زند بهره‌گرفته که دستنویس D90 از آن جمله است (مزداپور، ۱۳۸۴: ۶۹)، همچنین از این خاندان دستور فرود آبادان حکیم نوه دستور حکیم (نمودار بالا پدر جاماسب ولایتی)، از دودمان دستور نوشیروان، یسنای معروف به یسنای کتابخانه مجلس به شماره ثبت ۹۰۸۱۱ را سال ۱۱۹۲ یزدگردی (۱۲۰۲ خورشیدی) نگاشته است و دستور خدابخش فرود فرزند دستور فرود آبادان حدود سال ۱۲۱۱ یزدگردی (۱۲۲۱ خورشیدی)، کتاب یسنایی در یزد [شریف‌آباد] نوشته است که با شماره ثبت ۹۰۸۱۹ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود (مزداپور، ۱۳۸۷: ۵)، در مجموعه تازه کار شده پولادی، کتاب یسنایی را، غلامی و پولادی با عنوان یسنای ۱۸۲۶ معرفی می‌کنند که در سال ۱۱۹۵ یزدگردی توسط فرود آبادان حکیم نوشته شده است (Gholami and Pouladi, 2019: 14)، بنا بر پژوهش مزداپور، موبد مرزبان فریدون با سه فرزندش (نوشیروان، فریدون، بهرام)، پدرش موبد فریدون بهرام و عموی پدرش گوبدشاه، موبدانی آگاه، کاتب و شاعر بوده‌اند که چندین دستنویس از آنان به یادگار مانده‌است، از جمله کتاب وندیدادی است که در ردیف قدیمی‌ترین نسخه‌های اوستای جهان قرار دارد و به سال ۹۷۶ یزدگردی (۹۸۶ خورشیدی) (مزداپور، ۱۳۹۲: ۲۲)، توسط موبد فریدون مرزبان فرزند میانی موبد مرزبان فریدون در شریف‌آباد و در منزل بهرام رستم بندار که گویا خانه اجدادی‌شان بوده، نوشته شده است (مزداپور، ۱۳۸۱: ۱۰)، و این خاندان از شریف‌آباد به کرمان مهاجرت می‌کنند و از آن پس، پسوند خانوادگی کرمانی می‌گیرند.<sup>(۱۳)</sup> فریدون مرزبان روز مانتره‌سپند و تیرماه سال ۹۷۶ یزدگردی [۹۸۶ هجری خورشیدی، روزگار شاه عباس بزرگ صفوی] نگارش این وندیداد را در شریف‌آباد به پایان برده است<sup>(۱۴)</sup> و این در حالی است که او یکسال پیشتر در روز استاد ایزد و تیرماه سال ۹۷۵ یزدگردی، نگارش بندهش معروف به TD2 را هم در کرمان (مزداپور، ۱۳۹۲: ۲۶) یا در یزد [شریف‌آباد] (بلاردی، ۱۳۸۳: ۶۸) به پایان رسانده بود. فریدون مرزبان دستنویسی از ویشتاسف‌یشت هم دارد که از او به یادگار مانده و در نوساری هندوستان نگهداری می‌شود (مزداپور، ۱۳۸۷: ۱۳). فعالیت موبدان شریف‌آبادی در حوزه نگارش و نسخه‌نویسی سبب شد تا در این راستا نسخه‌های مهم دیگری نیز از آنان و به ویژه از این خاندان (دستور رستم بندار شهردان دینیار) به یادگار بماند، از جمله بندهش DH، که در سال ۹۴۶ یزدگردی (۱۵۷۷ میلادی) نوشته شده و کاتب آن مرزبان فریدون بهرام رستم بندار در کرمان است که پدرکاتب نسخه TD2 و پسر برادر کاتب نسخه بندهش TD1 یعنی گوبدشاه رستم بندار است (بلاردی، ۱۳۸۳: ۶۶)،

گوبدشاه کاتب دستنویس دانستان دینیگ بخشی از مجموعه TD4 نیز هست (برومندامین، ۱۳۸۴: ۳۶۱)، طبق گزارش شروو، مرزبان فریدون، وندیداد IM را نیز در سال ۱۵۸۵ میلادی از روی نسخه دستور شه‌ریار اردشیر ایرج رستم نوشته‌است ( Skjaervo, 9: 2014). پسر بهرام مرزبان، مرزبان بهرام مرزبان هم وندیداد موسوم به ۱۶۵۳ را در سال ۱۰۲۲ یزدگردی نگاشته است (Gholami and Pouladi, 2019: 16). شجره‌نامه این خاندان بنا بر پژوهش ارزشمند مزداپور مندرج در مقاله وندیداد دستور روانیان (اوستا ۱۰۰۱) که با بررسی انجامه‌ها به تصحیح شجره‌نامه تدوینی اونوالا در کتاب «انجامه‌های دستنویسته‌های زرتشتی در کتابخانه‌های اروپا (Unvala, 1940: 191) پرداخته، به شرح زیر است:



نمودار شماره ۲: شجره‌نامه خاندان فریدون مرزبان (مزداپور، ۱۳۸۸: ۲۴۶).

با گزارش چهار دستنویس نویافته اوستا در یزد توسط مریم قانع، به کتابت‌های دیگری از خاندان مرزبان برمی‌خوریم، یکی از این دستنویس‌ها، «یشتِ ویسپَرَد» موجود در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۳۹۷۳ است که بخش بزرگی از آن را بهرام مرزبان در سال ۹۷۶ یزدگردی نوشته و دنباله آن را یکصد و ده سال بعد موبدی دیگر به نام دستور اردشیر دستور مهربان در سال ۱۰۸۶ یزدگردی نوشته که به نظر می‌رسد این بخش به خط کاتب اصلی از بین رفته باشد و برای همین دستور اردشیر دستور مهربان آن

قسمت را دوباره نوشته و پیوست کرده است (قانعی و فیروزبخش، ۱۳۹۷: ۹۷)، این دستور از نوادگان دستور شاپور جاماسب، کاتب روایت نریمان هوشنگ و از دودمان دستور نوشیروان معروف با نام کامل دستور اردشیر دستور مهربان دستور خُره‌منه دستور سیاوخش دستور شاپور دستور جاماسب است، طی همین گزارش، دستنویس دیگری از وندیداد با نام «وندیداد ساده ایرانی»، موجود در کتابخانه میرزا سروش لهراسب در پرورشگاه مارکار یزد معرفی می‌شود که نیمه نخست آن را بهرام مرزبان در مهرماه ۹۹۱ یزدگردی نوشته و بر اساس انجامه‌ای به خط برادر بزرگترش فریدون مرزبان، نیمه دیگر این دستنویس را عموزاده‌شان منوچهر رستم نوشته است (همان: ۱۰۳) و در ادامه گزارش قانعی آمده است که در مجموعه شخصی مجموعه‌داری یزدی به نام وحید ذوالفقاری، «وندیداد ساده» ای به چشم می‌خورد با قید تاریخ ۹۷۸ یزدگردی که کاری دیگر از بهرام مرزبان است، کانترا نیز این کار بهرام مرزبان را یادآور شده است (Cantra, 2014: 326). وندیداد دستنویس آستان قدس رضوی هم کار خاندان مرزبان بوده که بخش اصلی و کهن تر آن به خط بهرام مرزبان با تاریخ کتابت استاد ایزد و آبان‌ماه سال ۹۹۲ یزدگردی است (جهانپور، ۱۳۸۶: ۳۹۱)، با بررسی استنساخ‌های وندیدادهای ساده، به وندیداد دیگری برمی‌خوریم که در کتابخانه میرزا سروش لهراسب موجود بوده و دستور مهرگان سیاوخش در دیماه سال ۱۲۸۸ یزدگردی به پایان رسانده است (قانعی و فیروزبخش، ۱۳۹۷: ۱۰۶)، کاتب این نسخه در دودمان دستور نوشیروان شریف‌آبادی و در ادامه شجره‌نامه ترسیمی در نمودار شماره ۱ در شاخه دستور حکیم پدر جاماسب ولایتی قرار دارد، نام او دستور مهرگان سیاوخش است که با پنج پشت به دستور حکیم می‌رسد، طبق انجامه‌ها از سه فرزند دستور حکیم خبر داریم، یکی جاماسب ولایتی است (که به او خواهیم پرداخت) دیگری آبادان است که در برخی نسخ آبان ضبط شده و او پدر فرود و پدر بزرگ خدابخش فرود است که پیشتر به آنان پرداختیم و فرزند آخر، نوشیروان است که مهرگان سیاوخش از این شاخه به دستور حکیم می‌رسد (دالوند، ۱۳۹۹: ۲۵۱). وندیداد دیگری معروف به وندیداد دستور روانیان کتابت شده به سال ۱۰۰۱ یزدگردی (۱۰۱۱ خورشیدی)، دستنویسی دیگر از عموزادگان خاندان مرزبان است که بر اساس انجامه (یادگارنامه یکم و دوم) مندرج در این کتاب، نویسنده آن فریدون گوبدشاه رستم فریدون گوبدشاه رستم بندار شهردان دینیار است، با مرور بر شجره‌نامه بالا، پیوند او در این خاندان هنرمند مشخص می‌گردد (مزدآپور، ۱۳۸۸: ۲۴۸)، گفتنی است که این

خاندان در دوران شاه‌عباس بزرگ (۱۰۳۸-۹۹۶ هجری قمری) می‌زیسته‌اند (مزدپور، ۱۳۹۲: ۲۲). شخصیت مهم دیگری که اصالتاً شریف‌آبادی است و نقش تاثیرگذاری در کتابت و آموزش دینی به پارسیان داشته، دستور جاماسب ولایتی است که به کرمانی معروف بوده ولی بنا بر نوشته خودش یزدی (Unvala, 1940: 56) و طبق پژوهش‌های انجام شده و شجره‌نامه ترسیمی، شریف‌آبادی است (Ibid: 191)، روایت جاماسپ‌آسا، پاسخی است که دستوران ایران در روز انیران از ماه اردیبهشت سال ۱۰۹۰ یزدگردی (۱۱۰۰ خورشیدی) به نامه سال ۱۰۸۸ یزدگردی این دستور اهل نوساری (جاماسپ‌آسا) داده‌اند. امضاکنندگان روایت، دستور فریدون اردشیر، دستور هوشنگ جاماسپ، دستور اردشیر حکیم، دستور رستم گشتاسپ، دستور رستم مرزبان، خسرو نوشیروان و دیگر بهدینان‌اند. این روایت را نه قاصدی پارسی که یکی از موبدان جوان و منجم از دودمان موبدان شریف‌آبادی، به نام دستور جاماسب دستور حکیم یا آن گونه که پارسیان می‌گویند جاماسپ ولایتی<sup>(۱۵)</sup> به هند می‌برد، او در هند منشأ تغییرات و تأثیراتی می‌شود که تا پایان سده نوزدهم میلادی، جامعه پارسیان با آن دست و پنجه نرم می‌کند، از این رو، ارزش این روایات نه به محتوای آن که به آورنده آن و پیامدهای سفرش به هندوستان است. جاماسب ولایتی در برگ 61.v دستنویس M50.8 کتابخانه ملی مونیخ با عنوان اوستای «درون‌فره‌وهرام‌یشت» خود را چنین معرفی کرده‌است: «من دین‌بنده جاماسب دستور حکیم دستور اردشیر دستور نوشیروان دستور زراثشت دستور جاماسب دستور شاپور بخت‌آفرین، ولایت ایرانی ساکن دارالعباده یزد»، بنا بر این جاماسب حکیم (ولایتی) یکی از فرزندان دودمان دستور نوشیروان شریف‌آبادی است که براساس گزارش‌های موجود می‌توان دودمان یاد شده را از بنیان شرف‌آباد (شریف‌آباد) در روزگار آل مظفر در سده هشتم هجری دانست (دالوند، ۱۳۹۶: ۴۶)، از دیگر کارهای موثر دستور جاماسب ولایتی در نزد پارسیان هند آموزش متون دینی به موبدان آن دیار بود، یکی از شاگردان او داراب کومانا است که نامبرده استاد آنکتیل دوپرون فرانسوی<sup>(۱۶)</sup> بوده و اوستا و پهلوی را در مدت سه سال به او آموخته است و آنکتیل دوپرون با ترجمه اوستا و چاپ آن در سال ۱۷۷۱ میلادی آغازگر اوستاشناسی در اروپا شد (آبادانی، ۱۳۵۵: ۵۸) و این نقطه‌عطفی در تاریخ دین زرتشتی است. خاندان دستوران شریف‌آباد، علاوه بر اینکه نخستین میزبانان پیک‌های پارسیان بوده‌اند، در تمامی دوران کتابت و ارسال روایات و نامه‌ها، برای نگاهداری میراث دینی و آیینی زرتشتیان کوشایی قابل توجهی از خود

نشان داده‌اند، دستور فریدون مرزبان در یادکرد منظوم خود برای پارسیان هند در پایان سدهٔ دهم یزدگردی (Unvala, 1922, vol 2: 152)، نامداران آنان را یکایک نام برده است، برای دوره‌های اخیر نیز گفتنی است که دستور شهریار نامدار و فرزندانش رشید، خدایار و نامدار و دامادش، دستور تیرانداز اردشیر همگی از چهره‌های شاخص دودمان دستوران شریف‌آباد و از فرزندان جاماسب ولایتی در روزگار قاجارند که آثار معروفی در زمینهٔ آیین‌ها و نمازهای زردشتیان به یادگار گذاشته‌اند (دالوند، ۱۳۹۶: ۴۶-۴۷)، برخی از این آثار ارزشمند شامل کتاب‌های «درون و فروشی و یشت گاهان»، «یشت و نیرنگ و آب و برسم» (دالوند، ۱۳۹۹: ۲۵۶)، «یسنای ۱۱۹۲ یزدگردی مجلس»، و «یسنای و وسفرد ۱۲۱۱ یزدگردی مجلس» هستند،<sup>(۱۷)</sup> با پرسش و پژوهش‌های انجام شده، در روزگار معاصر نیز نوادگان جاماسب ولایتی موبدان بزرگی هستند که از آن جمله‌اند موبدان رستم، اردشیر و فیروز آذرگشسب که همگی به ترتیب عهده‌دار ریاست و عضویت انجمن موبدان در دهه‌های اخیر بوده‌اند و آنان فرزند دستور نامدار شهریار نامدار کیخسرو هستند که اجدادشان همگی موبدان بزرگ دورهٔ خود بوده‌اند، شهریار نامدار موبد بزرگ دورهٔ ناصری و رییس نخستین کنگرهٔ آتورنان (کنکاش و انجمن موبدان بعدی)، تاسیس شده در سال ۱۲۹۴ خورشیدی است که با شش پشت به دستور جاماسب ولایتی می‌رسد، پدر او نامدار کیخسرو دستور بزرگ دورهٔ فتحعلی‌شاه قاجار است (آذرگشسب، ۱۳۶۹: ۲۰؛ اوشیدری، ۱۳۷۱: ۷۹-۷۷). نگارنده خود با آخرین موبد دانشمند این حلقه، دستور خداداد دستور شهریار دستور نامدار نیروسنگی آشناست که تا زمان حیات، راهبری امور دینی به‌دینان شریف‌آباد را عهده‌دار بود، ایشان تحصیلکردهٔ هند و به زبان‌های اوستایی، پهلوی و انگلیسی تسلط کامل داشت و در منزل موبد هوش پیشین شریف‌آباد دستور بهرام خدارحم مهربان، دایی خود، سکونت داشت. خانهٔ بسیار قدیمی دیگری نیز از موبدی به نام دستور بندار (خانهٔ بنداری که پیشتر بدان اشاره شد) در شریف‌آباد وجود دارد که به همراه خانهٔ موروثی دستور خداداد نیروسنگی آخرین نشانه از سکونت موبدان شریف‌آبادی است، پژوهش در مورد اسلاف و احفاد این دستوران یاد شده، توسط نویسنده در حال انجام است.

#### ۴. نتیجه

کارکرد موبدان شریف‌آباد را می‌توان در سه زمینه خلاصه کرد، نخست آنان در راستای زنده و به روز نگاه داشتن آداب، رسوم و آیین‌ها کارایی خود را نشان دادند و به گونه‌ای

عمل کردند که در این زمینه حتی پاسخگوی مسائل فقهی و آیینی پارسیان هند نیز شدند و حاصل کارشان به همراه دیگر موبدان تحت عنوان «روایت» ثبت شده و در دسترس است، در مواردی هم، آموزش پارسیان را با گسیل موبدانی کارآزموده بر عهده گرفتند که این آموزش‌ها در مقاطعی نظیر کار آنکتیل دوپرون تاریخ ساز گردید، دوم نسخه برداری و رونویسی از متون دینی کهن را به انجام رساندند و با این کار ارزشمند، نسخ منحصر به فردی چون اوستای ۹۷۶ به این دوران رسید و سوم نگاهبانی از آتش آذر فرنبغ را بر عهده گرفتند و این آتش که همراه دستور دستوران از فارس به این خطه رسیده بود، با حفاظت موبدان شریف‌آباد، فروزان ماند و سند تاریخی این نگاهبانی، آتشکده قدیمی شاه آذر خروه در شریف‌آباد است. حدود ۲۴۰ سال پیش با رفتن دستور دستوران از ترک‌آباد به یزد، موبدان شریف‌آباد نیز به یزد مهاجرت کردند و آثار سکونتشان به مرور بی نام و نشان شد، با بررسی دفتر صورتجلسات انجمن ناصری شعبه شریف‌آباد و دیگر مستندات موجود، دو منزل بسیار قدیمی و مهم متعلق به موبدان در دوران گذشته شناسایی شد که بر اساس قرائن موجود گمان می‌رود یکی از آنها محل نگارش اوستای ۹۷۶ باشد، با رویداد مهاجرت موبدان از شریف‌آباد، چون موقوفات اجدادی‌شان قابل فروش نبود و آنان قائل به انجام نیت واقف بودند، زمین‌های وقف فراوانی در شریف‌آباد باقی ماند که وقف‌نامه‌های این اراضی به همراه دفتر قدیمی موقوفات، موید حضور آنان است و گذشته از اثبات سکونتشان، اطلاعاتی مهم برای شناسایی تبار موبدان در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار می‌دهد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در میان بهدینان از صفویه به این سو و تا یکی دو دهه پیش، به موبد دستور گفته می‌شد، بنا بر دیدگاه کریستینسن (Arthur E. Christensen) ظاهراً در دوره ساسانیان دستور بر موبدی اطلاق می‌شده است که بیشتر در امور دینی و قضایی مطالعه می‌کرده و هرگاه در این گونه امور اشکالی روی می‌داده است به او مراجعه می‌کردند (برهان قاطع: ۸۶۳/۲).

2. Mary Boyce (1920-2006).

3. Gera Alberto Cantera.

۴. گهنبار جشنی کهن است که به پاس آفرینش اهورایی برگزار می‌شود، بر پایه اساطیر ایرانی، اورمزد طی شش مرحله به ترتیب آسمان، آب، زمین، گیاه، حیوان و انسان را بیافرید، برای پاسداشت هر مرحله و آفریده آن، پنج روز و مجموعاً سی روز در سال این جشن برپا می‌گردد.

5. āzor xarā

6. γomp.

7. Jamsheed K. Choksy (1962-).

8. Jean Chardin (1643-1713).



۹. به موبدان مامور از طرف انجمن موبدان برای انجام مراسم دینی در هر محله یا روستا که گاه ساکن آن روستا هم می‌شدند، موبدان هوشت (hušt) گفته می‌شود که در شریف‌آباد، آخرین موبد هوشت ساکن، دستور خداداد شهریار نامدار نیروسنگی بود.

۱۰. روایت در فرهنگ زرتشتی برابر استفتاء در شریعت شیعی است، پاسخ به پرسش‌های فقهی بهدینان از جانب دین‌مردان یا دستوران بزرگ را روایت گویند (دالوند، ۱۳۹۶: ۴۴) و جمع واژه روایات است.

۱۱. ایتھوتر «Ithoter» واژه‌ای گجراتی به معنای ۷۸ است و نامش را از تعداد پرسش‌های مندرج در آن می‌گیرد (دالوند، ۱۳۹۳: ۸۲).

۱۲. در صفحه ۳۶۸ جلد دوم کتاب روایات داراب هرمزدیار این تاریخ به اشتباه ۷۴۷ ثبت شده که سال درست ۸۴۷ است و نه ۷۴۷، چون در صفحات ۳۷۱ و ۳۷۲ این کتاب هم تاریخ درست یعنی ۸۴۷ ذکر شده، این اتفاق حاصل لغزش در رونویسی است (مزدایور، ۱۳۸۷ الف: ۱۰۲).

۱۳. با اشاره مزدایور در پیش‌گفتار کتاب اوستای ۹۷۶ (مزدایور، ۱۳۹۲: ۳۰) راجع به خانه اجدادی خاندان مرزبان در شریف‌آباد، موسوم به خانه بهرام رستم بندار (بر اساس بند ۲۹ یادگارنامه نسخ آن یعنی فریدون مرزبان)، با پیگیری و تحقیقات نگارنده، این خانه به مقام سر جوی مهر شریف‌آباد، با بازسازی‌های در گذشته، بی‌خبر از گذشته تاریخی آن، شناسایی گردید و مشخص شد که همین خانه در صورتجلسات انجمن زرتشتیان شریف‌آباد، مورخ ششم بهمن‌ماه ۱۳۲۰ و چهارم بهمن‌ماه ۱۳۲۱ خورشیدی با عنوان خانه مشهور به خانه بنداری مورد یادکرد است. در صفحات ۱، ۶، ۱۱، ۳۶ و ۹۱ دفتر صورتجلسات انجمن مذکور در دهه ۲۰ تا ۵۰ خورشیدی از موقوفه‌ای منسوب به این خاندان که با نام موقوفه بنداری در تولیت انجمن قرار داشته، ذکر منابع و مصارف شده است، نیز پیشتر از آن برای نمونه، در دفتر صورتجلسات انجمن ناصری شعبه شریف‌آباد در سال‌های ۱۲۸۹ و ۱۲۹۱ خورشیدی نیز این موقوفه و درآمد حاصل از آن و عمل به نیت واقف، ثبت گردیده است، نکته جالب توجه اینکه در نامه‌ای که رونوشت آن در دفتر صورتجلسات انجمن ناصری شعبه شریف‌آباد ثبت است، به تاریخ ۲۶ ذیقعد الحرام ۱۳۲۸ هجری (۷ آذر ۱۲۸۹ خورشیدی) گزارشی از عمل به نیت واقف موقوفه بنداری به یکی از احفاد این خاندان با نام «نوشیروان آبادان ولی» ساکن کرمان نوشته شده است. شایان ذکر است که در صفحه ۳۹۶ جلد دوم روایات داراب هرمزدیار نیز به شریف‌آبادی بودن این خاندان اشاره شده است.

۱۴. برای لحاظ قدمت نسخ با توجه به تاریخ‌گذاری دستنویس‌ها، باید توجه داشت که ذکر تاریخ پارسی، فرسی، مجوسی یا تاریخ «پس از بیست یزدگرد» در برخی کتابت‌ها، اشاره به آن مبدا تاریخی دارد که بیست سال پس از تاجگذاری یزدگرد سوم و مصادف با زمان کشته شدن او را مدنظر قرار می‌دهد ولی تاریخ یزدگردی، نخستین سال سلطنت یزدگرد سوم است و ده سال با تاریخ هجری شمسی تفاوت دارد (مزدایور، ۱۳۸۷ ج: ۵۲۸).

۱۵. منظور از پسوند ولایتی منسوب به ولایت است که در هندوستان واژه ولایت در معنای «میهن» به کار می‌رود (صیوری‌فر، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

#### 16. Abraham Hyacinthe Anquetil-Duperron (1731-1805).

۱۷. منظور از «یشت» در نسخه‌های دستنویس به جامانده از قدیم، بی‌گمان «یسنا»ست و نه معنای متداول امروزی «یشت» در ترکیب مثلاً بهرام یشت یا آبان یشت، باید توجه داشت که دستنویس‌های موسوم به وندیداد (جدیدوداد)، افزون بر همه وندیداد و یسنا، ویسپرد و بخش‌هایی از خرده اوستا را نیز دربردارد و کاتبان، این دستنویس‌ها را در یادگارنامه‌های آن، «اوستای یشت، ویسپرد و جدیدوداد با نیرنگ، رسته یزشنی» یاد می‌کنند، در گونه «یزشن» تنها، یعنی نامیدن صورت مطلق «یزشن»، همان یسناست که در آن وندیداد تلاوت نمی‌شده- است (مزدایور، ۱۳۸۷ ب: ۹)، اما گونه «رسته یزشنی»، یزشن خوانی بزرگتری است که در آن، همه ویسپرد و تقریباً همه یسنا به همراه وندیداد، توأم با آدابی ویژه، سرایش می‌کردند (مزدایور، ۱۳۸۷ ج: ۵۲۷)، همچنین نگاه شود به مقاله چند دستنویس نویافته دکتر مزدایور (مزدایور، ب، ۱۳۸۷: ۵).

## منابع

- آبادانی، فرهاد، «سهم پارسیان در نگهداری فرهنگ ایران». هنر و مردم، شماره ۱۸۱، ۵۵-۶۴، ۱۳۵۵.
- آذرگشسب، اردشیر، «تاریخچه تاسیس انجمن موبدان تهران». فروهر، شماره ۱ و ۲، ۱۸-۲۲، ۱۳۶۹.
- اوشیدری، جهانگیر، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
- برومندامین، بهرام، «کاتبان نسخه‌های پهلوی و اوستایی از خاندان مرزبان»، *نامه بهارستان*. شماره ۱ و ۲، ۳۶۴-۳۵۵، ۱۳۸۴.
- بلاردی، والتر، «روابط خویشاوندی میان دست‌نوشته‌های بندهش»، *نامه پارسی ترجمه حسن رضایی‌باغ* بیدی، شماره ۴، ۶۵-۷۸، ۱۳۸۳.
- بویس، مری، *چکیده تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۷۷.
- \_\_\_\_\_ *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱.
- \_\_\_\_\_ *کانون دین زرتشتی در ایران*، ترجمه حسین ابراهیمیان، تهران، توس، ۱۳۹۷.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف، *برهان قاطع*، جلد دوم تصحیح و شرح محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- جهانبور، فاطمه، «وندیداد آستان قدس»، *نامه بهارستان*. س ۸ و ۹. دفتر ۱۳ و ۱۴، ۳۸۹-۴۰۰، ۱۳۸۶.
- چوکسی، کرشاسب، *ستیز و سازش، زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱.
- دالوند، حمیدرضا، «روایت ایتهوتر، دست‌نویس نویافته کتابخانه ملی و چاپ ماریو ویتالونه». *زبان‌شناخت*، س ۵، شماره ۱، ۸۱-۱۰۱، ۱۳۹۳.
- \_\_\_\_\_ «سرآغاز شکل‌گیری فرقه‌های تقویمی در میان زرتشتیان هند»، *مطالعات فرهنگ و هنر آسیا*، س ۱، شماره ۲، ۴۳-۵۴، ۱۳۹۶.
- \_\_\_\_\_ *تاریخ و سنت زرتشتی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.
- سپهری‌اردکانی، علی، *تاریخ اردکان*، جلد دوم اردکان‌یزد، حنین، ۱۳۷۴.
- شهمردان، رشید، *پرستشگاه زرتشتیان*، بمبئی، نشریه سازمان جوانان زرتشتی بمبئی، ۱۳۴۶.
- \_\_\_\_\_ *تاریخ زرتشتیان*، تهران، فروهر، ۱۳۶۰.
- \_\_\_\_\_ *تاریخ زرتشتیان، فرزندان زرتشتی*، تهران، فروهر، ۱۳۶۳.
- صبوری‌فر، فرهاد، *تاریخ روابط هند و زرتشتیان ایران*، تهران، فروهر، ۱۳۹۵.
- کجیاف، علی‌اکبر؛ تشکری علی‌اکبر، «درآمدی بر شرایط اجتماعی زرتشتیان یزد از تاسیس سلسله صفوی تا پایان پادشاهی شاه عباس اول»، *فرهنگ*، شماره ۶۸، ۱۵۵-۱۸۱، ۱۳۸۷.
- قانع، مریم؛ فیروزبخش پژمان، «چهار دست‌نویس نویافته اوستا در یزد»، *نامه بهارستان*، س ۱۶، ۹۳-۱۰۸، ۱۳۹۷.
- مزدآپور، کتابون، «سرآغاز یزشن»، *فرهنگ*، شماره ۱۷، ۷۱-۸۳، ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_ الف، «خرده اوستا در نگارش‌های نوین»، کتاب *جرعه بر خاک*، *یادنامه یحیی ماهیارنوبی*، به کوشش محمود جعفری‌دهقی، ۱۳۸۷.

\_\_\_\_\_ ب، «چند دستنویس نویافته اوستا»، *نامه ایران باستان*، س ۸، شماره ۱ و ۲، ۳-۱۹، ۱۳۸۷.

\_\_\_\_\_ ج، «یادداشت درباره فریدون مرزبان»، *نامه بهارستان*، س ۸ و ۹، ۵۲۷-۵۲۸، ۱۳۸۷.

\_\_\_\_\_ «نویافته‌های کهنسال»، *جهان کتاب*، س ۷، شماره ۷ و ۸، ۱۴-۱۰، ۱۳۸۱.

\_\_\_\_\_ زرتشتیان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴.

\_\_\_\_\_ «وندیداد دست‌نویس‌روانیان (اوستا ۱۰۰۱)»، *نامه بهارستان*، س ۱۰، ۲۴۵-۲۵۲، ۱۳۸۸.

\_\_\_\_\_ پیش‌گفتار کتابیون مزداپور بر کتاب *وندیداد دانشگاه تهران (وندیداد ساده «اوستای ۹۷۶ت»*، تهران، فروهر، ۱۳۹۲.

Cantra, Alberto. *Building Tree: Genealogical Relations Between the Manuscripts of Wīdēwdād*. in [www.academia.edu](http://www.academia.edu). pp. 279-346, 2014.

Skjaervo, Prods Oktor. *Philological Gleanings from the pahlavi Videvdad, Iran Nameh*. V. 29. N. 3. pp. 6- 21, 2014.

Gholami Saloumeh and Pouladi Mehraban. *Colophons and Marginal Notes of the Avestan Manuscripts of the Pouladi's Collection in Yazd, Iranian Studies*. <https://doi.org/10.1080/00210862.2019.1605286>. pp. 1-57, 2019.

Unvala, Jamshidji Maneckji (1940). *Collection Of Colophons Of Manuscripts Bearing On Zoroastrianism In Some Libraries Of Europe*. Bombay, 1940.

Unvala. M.R. (ed). *Darab Hormozyar's Rivayat*. 2vol. Bombay, 1922.